

کارکرد تکرار واژگانی در انسجام متن از منظر زبانشناسی نقشگرا:

نمونه موردی دیوان (قصائد فی الظل) سامی مهدی

زهره بهروزی*^۱، علی خضری^۲

۱-دانش آموخته دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر-ایران.

۲-دانشیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر-ایران.

چکیده

تکرار یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام واژگانی است که موجب شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را از لحاظ معنوی و دلالتی تقویت می‌کند. از نظر مایکل هلیدی تکرار یکی از عوامل موثر در تحکیم روابط ساختار متن و روابط دلالتی آن است و می‌تواند در تسهیل درک افکار و معانی که در متن جریان دارد کمک کننده باشد. دیوان قصائد فی الظل یکی از آثار شعری سامی مهدی شاعر عراقی است که تاثیرگذاری و نقش برجسته تکرار واژگان و جملات در خلق انسجام متنی شایسته ارزیابی و تحلیل است. هدف از پژوهش پیش رو بررسی تکرار به عنوان عامل انسجام متن را بررسی کند، از این رو تلاش می‌کند تا با تکیه بر شیوه توصیفی-تحلیلی شیوه چینش کلمات و جملات یکسان و کارکرد تکرار در خلق انسجام متنی را تحلیل و بررسی نماید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تکرار واژگان یکی از مهمترین تکنیک‌های زبانی در شعر سامی مهدی است و دو کارکرد مهم را به عهده دارد؛ موجب پیدایش پیوند متنی و ایجاد انسجام در قصیده می‌شود و به صورت تکرار جملات در میانه‌های قصیده، یا در آغاز بندهای قصیده و یا حتی تکرار یک جمله در مصراع آغازین و پایانی قصیده نمود پیدا کرده است؛ تکرار در شعر سامی مهدی با حس و دیدگاه حاکم بر شعر تناسب دارد و شاعر در راستای مفهوم و معنایی که قصد انتقال آن به مخاطب را دارد از الگوهایی خاص استفاده کرده است تا با ایجاد هماهنگی بین معنا و ساختار، مفهوم و مضمون حاکم بر شعر نمود بیرونی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: زبانشناسی نقشگرا، انسجام متنی، تکرار، مایکل هلیدی، سامی مهدی.

مقدمه

در زمینه تکنیک زبانی تکرار و کارکرد آن در شعر بررسی‌های بسیاری صورت گرفته است و در این زمینه، دو رویکرد و دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ نخست، رویکردی که نشأت گرفته از منابع و آراء بزرگان در حوزه علم بدیع است و بیشتر به بررسی تکرار در سطرهای متون نثری و ابیات متون شعری می‌پردازد؛ اما در دیدگاه دوم تکرار به شکلی کاملاً متفاوت با شیوه پیشین است و رویکردی بر مبنای چارچوب زیباشناسی و زبان‌شناسی دارد. از میان رویکردهای مختلف زیباشناسی که به آرایه تکرار پرداخته است می‌توان به زیباشناسی نقش‌گرا اشاره کرد. زیباشناسی نقش‌گرا یک مهم‌ترین شاخه‌هایی محسوب می‌شود که به بررسی نقش‌های زبانی می‌پردازد و «نقش‌گرایان معتقد هستند که زبان ابزاری برای تعامل اجتماعی و واحد تحلیل متن در بافت است، در این معنا نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آنها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند» (هلیدی، ۱۹۸۵، ۴۰).

یکی از مهمترین نظریه پردازان زیباشناسی نقش‌گرا هلیدی است که آرایه تکرار را به عنوان عامل انسجام متون و پیوستگی جملات بررسی می‌کند. «در این تاکتیک، مضمون، عبارت، یا واژه‌ای خاص به طور آگاهانه در متن تکرار می‌شود که این تکرار در بردارنده مسائل ایدئولوژیک است و تکرار متعدد برخی از عناصر جمله و متن سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود که انسجام متن را به دنبال دارد» (ابراهیمی و رضایی، ۱۳۹۹، ۱۶). در رابطه با تاثیرگذاری تکرار در شعر، شفيعی کدکنی یکی از اولین منتقدان ایرانی است که به ظرافت‌های ساختاری تکرار در کتاب موسیقی شعر پرداخته است و می‌گوید «تکرارهای هنری تکرارهایی هستند که در ساختمان شعر نقش خالق دارند و با این که لازمه تکرار ابتدال است و ابتدال نفی هنر، تاثیر گونه‌هایی از تکرار در ترکیب یک اثر هنری، گاه تا بدان پایه است که در مرکز خالقیت هنری گوینده قرار می‌گیرد. از سویی دیگر گونه‌هایی از تکرار، در عین این که از مقوله تکرارند، نامریی‌اند و هویت خود را در پوشش عواملی دیگر نهان می‌دارند» (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۰، ۴۰۸).

در رابطه با آرایه تکرار و کارکرد آن در انسجام بخشی به شعر، دیوان (قصائد فی الظل) نمونه‌ای برجسته برای بررسی میزان نقش و تاثیر تکرار در شکل‌گیری پیوستگی میان عناصر زبانی شعر است؛ از این رو، در این مقاله نگارندگان قصد دارند تا آرایه تکرار را بر مبنای نظریه هلیدی در سطح واژگان و جملات و به عنوان یکی از عوامل انسجام بخش شعر سامی مهدی بررسی نمایند. بنابراین، این مقاله تلاشی است تا پژوهشگران بر مبنای نظریه انسجام متنی هلیدی و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به سوالات زیر پاسخ دهند:

-انواع تکرارهای لفظی و آوایی به کار گرفته شده در دیوان (قصائد فی الظل) چیست؟ با چه الگویی ظاهر شده‌اند؟

-تکرارهای واژگان و جملات چه کارکردی دارند؟ و به چه صورت سبب انسجام بخشی به شعر می‌شود؟

پیشینه پژوهش

مبحث تکرار یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های مورد بررسی در شاخه زیباشناسی نقش‌گرا است. در این زمینه منابع ارزشمندی تألیف شده است که نویسندگان را در این پژوهش هدایت کرده است؛ از جمله این منابع، کتاب *زبان، بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم/اندازی اجتماعی نشانه شناختی* (۱۴۰۰)، اثر مایکل هلیدی است؛ بخش عمده عنوان کتاب حاضر این دیدگاه ما را نشان می‌دهد.

دهد که یادگیری زبان با مطالعه متون محقق می شود، و ما متنی داریم که متن دیگری هم آن را همراهی میکند؛ یعنی متنی به نام بافت که «همراه» متن دیگر است. کتاب به سوی زبان شناسی شعر (۱۳۹۳)، اثر مهران مهاجر و محمد نبوی؛ هدف از نگارش این کتاب طرح دوباره این پرسش است که آیا شعر به طور خاص، و ادبیات به طور عام، هم بخشی از زبان هستند؟ و یا پدیده هایی جدا و مستقل محسوب می شوند؟ مولف کوشیده است با ارائه طرح واره ای از نگره زبان شناختی، یعنی زبان شناسی سیستمی-نقش گرا که ابزاری کارآمد در تحلیل و تبیین زبان و پدیده های زبانی است و توسط مایکل هلیدی عنوان شده است.

همچنین پژوهش هایی در این حوزه به عمل آمده است و به دست آوردهای مفیدی نخل آمده اند؛ از جمله: مقله «نگاهی به تکرارهای واژگانی قرآن از منظر زبان شناسی نقشی سازگانی و دشواری ترجمه این گونه عناصر» (۱۳۸۹)، به تحقیق محمد غضنفری، چاپ شده در مجله مطالعات زبان و ترجمه؛ پژوهشگر در این تحقیق به مشکلات برگردان متن قرآن، و به خصوص عناصر تکرار آن، پرداخته است. حاصل بحث به چند نکته ختم می شود: با عنایت به خاستگاه متافیزیکی و فرابشر متون مقد، ترجمه این متون از حساسیت ویژه ای برخوردار است؛ دوم، به نظر می رسد رویکرد زبان مقصد مدار در ترجمه، که اصالت را به متن و فرهنگ مقصد می دهد، در برگردان این دسته از متن ها کارایی ندارد. مقاله «نقش تکرار آوایی در انسجام واژگانی شعر عروضی فارسی» (۱۳۸۹)، به تحقیق غلامحسین غلامحسین زاده و حامد نوروزی، چاپ شده در نشریه ادب و زبان؛ در این مقاله نگارندگان تنها به بررسی فرایند انسجام بخشی قسمتی از انسجام واژگانی در دو بخش باهم آویی معنایی و تکرار آوایی می پردازند. مقاله «بررسی ساخت واژه ای، دستوری و معنایی فرایند تکرار در زبان فارسی» (۱۳۹۴)، به تحقیق محرم رضایتی کیشه خاله و بهروز سلطانی، چاپ شده در مجله جستارهای ادبی؛ این مقاله با استخراج قریب به ۱۵۰۰ واژه مکرر از فرهنگ ها و بررسی ساخت واژه ای، دستوری و معنایی آن ها به دسته بندی آن ها پرداخته است و از نظر ساخت واژه ای، الگوهای مختلف تکرار کامل (اعم از افزوده و ناافزوده) و ناقص (اعم از پیشوندی و پسوندی) مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم تکرار و کارکرد آن در زبان

در باب لفظ تکرار تعریف های بسیار زیادی در واژه نامه های معتبر آمده است و یکی از مهمترین این موارد واژه نامه لسان العرب است. ابن منظور معتقد است که تکرار به معنای «چیزی را پی در پی بازگشت دادن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ۱۳۵).

این معنا و مفهوم تکرار ریشه در تعاریفی دارد که زبان شناسان قدیمی مثل سیوطی به آن پرداخته اند. سیوطی لفظ تکرار را تجدید کلمه اول تعریف کرده و نوعی تأکید است، «پدیده تکرار با برگشت کلمه متمایز است؛ زیرا برگشت و اعاده کلمه برخلاف تکرار از دو یا سه بار تجاوز نمی کند» (الزبیدی، ۱۹۷۴، واژه کرّ).

همچنین آذرتاش آذرنوش تکرار را به این معنا می داند: «کرّ/ تکرار علی: برگشتن، بازگشتن، باز آمدن، عقب کشیدن، پس کشیدن.

کرّ هـ: تکرار کردن، دوباره انجام دادن» (آذرنوش، ۱۳۹۷، لفظ کرّ).

اما در اصطلاح، پدیده تکرار به طور کلی دلالت بر فرایند بازگشت مستقیم عناصر می کند و ابن حجة الحموی در کتاب خزائن الأدب و غایة الأرب تعریف جامع و کاملی از تکرار مطرح کرده است: «هنگامی که متکلم یک لفظ معین را به صورت لفظی و معنوی تکرار

کند، و مقصود از تکرار وصف یا ذم یا ترساندن یا تهدید یا انکار یا توبیخ یا استبعاد یا غرض دیگری باشد» (ابن حجة الحموی، ۱۴۲۵، ۲، ۴۴۹).

اما در نظریه هلیدی پدیده تکرار به معنای «بازآیی و تکرار یک عنصر کلامی، یا تکرار مترادف، یا شبه مترادف، یا اسم عام، یا کلمه‌ای فراگیر است» (Halliday, 1984, 288).

بنابراین، به طور کلی از این تعاریف معتبر لغوی و اصطلاحی بدین گونه استنباط می‌شود که تکرار به معنای اعاده و تکرار مجدد کلمه یا کلماتی مشخص است که این الفاظ تکرار-شونده نوعی تأکید و تقریر بر نکته و موضوع مورد نظر است؛ اما می‌بینیم که نظریه هلیدی صرفاً تکرار واژه مشخص را تکرار نمی‌داند و همچنین آمدن کلمه مترادف را هم نوعی تکرار می‌داند.

تکرار از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا

به عقیده هلیدی و حسن انسجام متنی ناشی از ارتباطی است که بین جملات متن شکل می‌گیرد. در تعریف آن‌ها «انسجام متنی، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن جدا و مشخص می‌کند. هلیدی معتقد است انسجام به صورت بالقوه در عناصر نظام زبانی هم‌چون ارجاع، حذف، جانشینی و جز آن‌ها که درون زبان قرار دارند، نهفته است؛ اما عینیت یافتن آن در هر مورد به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر بستگی دارد که به شکل گره و آن‌گاه ارتباط این عناصر با یکدیگر به صورت زنجیره منجر می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ۳۸).

در این رویکرد، عوامل انسجام متنی در سه محور دستوری، واژگانی و پیوندی بررسی می‌کنند و آرایه تکرار یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام متنی در سطح واژگانی است؛ زیرا تکرار و بازآیی کلمات منجر به پیوند واژگانی می‌شود. این فرآیند با به کارگیری یکی از موارد زیر محقق می‌شود:

«-تکرار عین واژه (عبارت)

-به کار بردن واژه‌ای فراگیر که دربرگیرنده واژه مورد نظر باشد. (برای نمونه، واژه میوه در برگیرنده کلمه‌هایی نظیر انگور، سیب، هلو و مانند این‌ها است)

-به کار بردن یک واژه مترادف یا تقریباً هم‌معنا با واژه

-به کار بردن توصیفی کلی از واژه مورد نظر» (بیکر، 1999، ۲۰۳).

انسجام متنی با تکرار در شعر سامی مهدی

تکرار واژگان از جنبه‌های زیبای هنری است که شاعر آگاهانه از آن‌ها در راستای اجرای اغراض بلاغی و اهداف زیبایی‌شناسی بهره می‌برد. تکرار منجر به تراکم کلمات تکراری در متن می‌شود و در نتیجه از ثبات متن پشتیبانی می‌کند و همچنین «با تأکید بر محتوا معین و یا تکرار کلمات کلیدی به خلق و پشتیبانی انسجام متنی کمک می‌کند» (العجیلی، ۲۰۱۲، ۷۱). تکرار کامل در سطح واژه هنگامی رخ می‌دهد که یک واژه در دو جمله مستقل به دو شکل مرتب و نامرتب تکرار شود.

در شعر سامی مهدی، انواع تکرارهای مورد نظر زبانشناسی هلیدی در سطح واژگانی وجود دارد؛ اما آن چه بیش از هر چیزی جالب توجه است، تکرار واژگان و جملات با چند مدل مشخص است و به همین دلیل بیشترین تمرکز این مقاله بر بررسی و تحلیل واژه‌آرایی‌هایی و تکرار واژه‌ها در دیوان شاعر است.

۱) تکرار افقی واژگان واحد

در این الگو از خلق انسجام متنی با واژه‌آرایی، «شاعر واژه‌هایی با همگونی کامل در سطح کلام عیناً تکرار می‌نماید؛ اما این تکرار اغلب به منظور تأکید بر هر واژه در القای مفهوم همراه آن است» (نوذری، ۱۳۹۵، ۱۹۳۳). تکرار پشت سرهم واژه با تکیه بر لفظ و معانی آن، نمونه‌هایی در شعر سامی مهدی دارد؛ همان‌طور که در شاعر می‌گوید:

«وتضایقنا فیها

ورغم ذلک...رغم ذلک

نحن نصنع المزیذ والمزیذ منها» (مهدی، ۲۰۱۹، ۱۶۴)

در قصیده (طوفان الأشياء) شاعر گلایه از روزگاری دارد که او را در گردبادی از حوادث قرار داده است، و در میانه قصیده با استفاده از تکرار تأکیدی شدید بر دو مسأله می‌کند که به تفکیک به آن‌ها می‌پردازیم. کارکرد تکرار در (رغم ذلک...رغم ذلک) به دو شکل تأثیرگذار و مهم است؛ اول اینکه محور کلام را از گلایه به تحکم و امیدواری تغییر می‌دهد و دوم اینکه توجه مخاطب را جلب می‌کند تا برای جمله مهم بعدی خود مقدمه‌چینی کند. در خصوص تکرار دوم، هنگامی که شاعر می‌گوید ما بیشتر از آن چیزها می‌سازیم، درواقع با تکرار (المزید و المزید) به نوعی تمام حسرت‌ها و خلأهای خودش را فریاد می‌زند. علاوه بر این شاهدمثال ذکر شده، الگوهایی پرتکرار در شعر سامی مهدی دیده می‌شود که نشان می‌دهد یکی از عوامل خلق انسجام متنی در متون شعری شاعر، آرایه تکرار است.

۲) هم‌آغازی با واژه واحد

در شرایطی که واژه‌ای در ابتدای چند مصراع یا بیت یا بند تکرار شود هم‌آغازی اتفاق می‌افتد. نازک الملائکه شاعر بزرگ عصر حاضر، هم‌آغازی را که در زبان عربی تکرار استهلالی می‌نامند، بدین صورت تعریف می‌کند و می‌گوید: هم‌آغازی زمانی رخ می‌دهد که «یک کلمه در ابتدای هر بیت از مجموعه ابیات متوالی از قصیده تکرار شود، که در شعر معاصر شایع شده است و شاعران تازه‌کار تلاش می‌کنند تا با کمک گرفتن از تکرار استهلالی به قصیده ضعیفشان ریتم آهنگ و موسیقی ببخشند» (الملائکه، ۱۹۸۳، ۲۳۱). این شکل از تکرار واژگان یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین شاخصه‌های شعر سامی مهدی است؛ مانند قصیده (کثیرون) که هم‌آغازی به طور واضح در آن دیده می‌شود:

«کثیرون لا یجدون الجسور

ولا یعبرون

کثیرون یساقطون علی جَنَبَاتِ الطریق

ولا یصلون

کثیرون من یقعدون هنا أو هناک وینتظرون

کثیرون من یقلقون و هم حیث هم

و کثیرون من یفزعون

و کثیرون من فزع یبأسون وینتھرون» (مهدی، ۲۰۱۹، ۱۵۱).

هر یک از این جملات و مصراع‌ها بیانگر نرسیدن و ناکامی آدمی است و جهان معاصر مردمانی با چشمان ترسان و ناامید بسیاری را به خود دیده است؛ فراوانی و بسیاری این آدم‌ها دقیقاً همان نکته‌ای است که سامی مهدی در این قصیده تأکید بر آن دارد و می‌بینیم که تمامی مصراع‌ها با کلمه (کثیرون) آغاز شده است. این هم‌آغازی مصراع‌ها دو کارکرد مهم دارد؛ اولین کارکرد این الگوی تکرار خلق انسجام متنی در طول قصیده است زیرا هر یک از مصراع‌ها که به نوعی یک واحد جدا و مستقل محسوب می‌شوند اما تکرار (کثیرون) و اشتراک واژه آغازین مصراع‌ها به شکل یک حلقه اتصال آن‌ها را به یکدیگر پیوند داده است. اما کارکرد دوم آن بدین صورت است که شاعر به تقسیم‌بندی مردم ناکام پرداخته است و اشاره می‌کند که هر دسته بزرگی از مردم به شکلی مستأصل هستند و تلاش‌هایشان به هیچ مطلق منتج شده است و یا از شدت ترس به تباهی و نابودی رسیده‌اند. در اینجا، تکرار کلمه (کثیرون) و تأکید و پافشاری شاعر بر فراوانی تعداد این انسان‌ها به این دلیل است که مانع هرگونه شک و تردیدی شود و هم‌چنین مخاطب به بسیاری این مردم واقف باشد.

نمونه دیگری از این شکل تکرار را در قصیده (خفف الوطء) می‌بینیم؛ هنگامی که شاعر می‌گوید:

«کن رِبْقاً و شفیفاً لتستوي الأرضُ تحت خطاک

و یستلطف الله ظَلْک

کن حانیاً وودوداً لتألفک الطیرُ

کن نسمةً لتعانق من شئت

کن مطراً ناعماً

کن رذاذاً یغنی له الشجرُ الغضُّ

وکن شجراً سابغ الظلِّ یأوي إليه الغریبُ

وکن أيّ شیء یحبُّ و یحنو علی من یحبُّ» (مهدی، ۲۰۱۹، ۱۱۵)

همان‌طور که می‌بینیم، هم‌آغازی در تمامی مصراع‌ها دیده می‌شود و فعل تکرار شونده (کن: باش) تمامی مصراع‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در نهایت موجب انسجام در متن شده است. علاوه بر تأثیری که این هم‌آغازی در خلق انسجام داشته است، کارکردی معنایی هم دارد. درواقع تکرار این فعل طلبی دلالت بر ترغیب مخاطب دارد و مکرراً شاعر مخاطب را به اعمال نیک و پسندیده دعوت می‌کند و هدایتگر مخاطب به صلح، آرامش و راهی روشن است.

۳) جمله آرایبی

یکی دیگر از شکل‌های تکرار جمله آرایبی است و «هنگامی رخ می‌دهد که جمله‌ای کوچکتر از بیت یا مصرع در یک مصرع یا بیت تکرار شود» (غلامحسین‌زاده و نوروزی، ۱۳۸۹، ۲۲). این شکل از تکرارهای کوتاه هم به نوعی تلاش برای ایجاد انسجام در شعر

دیده می‌شود؛ همانطور که سامی مهدی در این زمینه موفق بوده است. به طور مثال در قصیده فلسطین تکرار (لا أری من فلسطین إلا) را می‌بینیم:

«لا أری من فلسطین إلا الخريطة

أو ظلّها في القلوب

لا أری من فلسطین إلا الندوب

فالجراح تعتنق فوق الجراح

وغيرن شكل الحروب

لا أری من فلسطین إلا الذنوب» (مهدی، ۲۰۱۹، ۱۸۳)

معتقدیم انسجام در این قصیده شکل گرفته است زیرا «باید توجه داشت که آنچه باعث انسجام متن میشود، تکرار واژه‌های مهم آن متن است؛ واژه‌هایی که به نقش آن‌ها در متن تأکید می‌شود و اگر تکرار نشوند، انسجام متن از بین برود» (حاج عیدی و رضویان، ۱۳۹۷، ۸۱)؛ همانطور که در اینجا می‌بینیم جمله (لا أری من فلسطین إلا) سه مرتبه و با فاصله اندکی تکرار شده است. در واقع این تکرارها کارکردی دو وجهی را بر عهده دارند؛ ایجاد انسجام بین مصراع‌ها و یادآوری تقدس و شکوهی که از فلسطین ما قبل از ویرانی‌ها در یاد و خاطره جهانیان باقی مانده است. در اینجا شاعر در تلاش است تا با تکرار جمله (لا أری من فلسطین إلا) و به خصوص تکرار شبهه جمله (من فلسطین) به نوعی بر تصویر ذهنی مخاطب از آن فلسطین آباد و زیبایی که روزی قبله مسلمین بوده تأکید کند.

۴) تکرار در آغاز بندها

شکل دیگری از تکرار در شعر سامی مهدی، تکرار یک جمله واحد در آغاز هر بند است. یک نمونه از این هم‌آغازی بندها را در قصیده (جواب) می‌بینیم:

«بین لا و نعم

سقط الحاجز القرمزي

وأشعل حَتَّى التراب

بین لا و نعم

حُمَّت الأرض

والتفت السائق بالسائق

واحمر وجه السحاب

بین لا و نعم

ضاع منها ومني الجواب» (مهدی، ۲۰۱۹، ۱۹۷)

تکرار جمله (بین لا و نعم) در تمامی بندها یکی دیگر از الگوهایی است که در شکل گیری پیوند میان بندها و خلق انسجام در ساختار متنی شعر سامی مهدی نقش داشته است. مهمترین تاثیر تکرار در این قصیده ایجاد انسجام متنی است، اما تنها کارکرد آن نیست. درواقع تکرار جمله (بین نعم و لا) در ابتدای هر بند چندین کارکرد متفاوت دارد. علاوه بر اینکه تکرار به نوعی مانع از هرگونه گسستگی در قصیده شده است، به زیبایی ساختاری آن هم افزوده است؛ بدین صورت که هم‌آغازی بندها با یک جمله واحد و بالطبع تکرار یک آهنگ در آغاز هر بند، به جنبه موسیقایی شعر کمک کرده است. همچنین از سوی دیگر، این تکرار منجر به ابهام و تأمل بیشتر مخاطب می‌شود؛ زیرا عنوان قصیده (جواب) است و شاعر مشخصاً پاسخ را ذکر نکرده است و با هر بار تکرار جمله (بین لا و نعم) مخاطب را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد تا او را به فکر کردن وادار کند که پاسخ احتمالی چه بوده است.

۵) هم‌آغاز و پایانی بندی (تکرار دایره‌ای)

این نوع از تکرار بدین صورت است که یک بیت واحد در ابتدا و انتهای یک بند تکرار شود. این الگو را با اسم تکرار دایره‌ای در زبان عربی داریم و طبق تعریف صابر عبید تکرار دایره‌ای «به تکرار یک یا چند جمله شعری در ابتدا و پایان قصیده می‌پردازد که امکان دارد تکرار در جملات پلانی به طور کامل منطبق با جمله‌های تکراری در ابتدای قصیده نباشد و فقط مطابق با بخش زیادی از قصیده و با رعایت اصل تکرار باشد، به این امید که نتیجه‌ای داشته باشد تا تأثیر معنایی و دلالتی قصیده را بیشتر کند» (عبید، ۲۰۰۱، ۲۰۷).

با توجه به مثال‌هایی که در شعر سامی مهدی یافتیم و دیدیم که اشعار منتخب برای این بخش از بررسی‌ها به شکل بند بند، نیستند که تکرار در ابتدا و انتهای آنها ظاهر شود، و تکرار بدین صورت است که یک مصراع واحد در آغاز و پایان قصیده تکرار می‌شود؛ بنابراین برای این بخش از انواع تکرار، عنوان تکرار دایره‌ای را مناسب‌تر می‌دانیم. از جمله این موارد، شاهد مثال زیر است:

«مطرٌ و غبار»

وسماءٌ تُحَيِّرُنَا

بین صیفِ مضی

وشتاءِ سیأتی

وتحملنا من دوارٍ

ونلقی بنا فی دوار

«مطرٌ و غبار» (مهدی، ۲۰۱۹، ۲۰۰)

نمونه بالا با عنوان (سماء حائرة) یکی از زیباترین قصیده‌های سامی مهدی است که از لحاظ معنا و ساختار هماهنگی بسیار خوبی دارند. بدین صورت که شاعر از حیرانی و سردرگمی بین دو زمان گذشته و آینده صحبت می‌کند و این حیرانی بین دو نقطه را به دو شکل نشان داده است؛ از یک سو با کلماتی مثل (تحیرنا- تلقی بنا فی دوار) لفظاً و صراحتاً ذکر می‌شود که همواره در بی‌ثباتی و گنجی به سر می‌برد، از سوی دیگر معنا و مفهوم حیرانی با تکرار دایره‌ای باز نمود پیدا می‌کند. بنابراین این الگوی تکرار

دایره‌ای که با آمدن یک جمله واحد در آغاز و پایان قصیده تجلی ظاهر شده است، دو نقش بسیار موثر را ایفا کرده است؛ تجسید حرکت‌های دورانی گردباد و حیرانی، و خلق انسجام در شعر.

نتیجه

ضمن بررسی انواع تکرار واژگان و جملات در شعر سامی مهدی و تحلیل داده‌ها، نتایج بده دست آمده از این قرار است:

تکرار یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام بخش در شعر سامی مهدی است که با توجه به معنا و ساختار شعر در ابعاد مختلف واژه، عبارت و یا جمله، در قالب‌ها و الگوهای مختلف نمود پیدا کرده است. تکرارها به صورت لفظی هستند و همانطور که دیدیم سامی مهدی بیشتر متمایل به تکرار واژگان و عبارات و جملاتی واحد با یک سازماندهی و نظم خاصی است و تکنیک زبانی تکرار را به شکلی کاملاً هدفمند و بسیار موثر به خدمت گرفته است؛ بدین دلیل که تکرار یکی از برجسته‌ترین عوامل خلق انسجام متن شعری در دیوان سامی مهدی قلمداد می‌شود. به این مساله در تمامی شواهد ذکر شده به تفصیل پرداخته‌ایم و دیدیم که تکرار واژگان در هر الگویی که نمود پیدا می‌کند دو کارکرد مهم را به عهده داشته و به خوبی از عهده آن برآمده است؛ نخست، موجب پیدایش پیوند متنی و ایجاد انسجام در قصیده می‌شود. بررسی‌های انجام شده نشان داده است که شاعر علاقه بسیاری به تکرار جملات در میانه‌های قصیده، یا در آغاز بندهای قصیده و یا حتی تکرار یک جمله در مصراع آغازین و پایانی قصیده دارد. درواقع تکنیک تکرار جمله در هر قصیده‌ای که وجود دارد، متنی یکپارچه ساخته است و موجب تداوم و کشش آن مفهوم کلیدی می‌شود که شاعر تاکید بر آن دارد. اما کارکرد دوم تکرار این است که در هر قصیده‌ای، سامی مهدی متناسب با حس و دیدگاه حاکم بر شعر و در راستای مفهوم و معنایی که قصد انتقال آن به مخاطب را دارد از یک الگوی تکرار خاص استفاده کرده است تا بین ساختار کلامی و معنا هماهنگی ایجاد کند.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۹۷)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
- حاج عیدی، حوا، رضویان، حسین، (۱۳۹۷)، عوامل انسجام در داستان عدل صادق چوبک، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۹، شماره ۱۸، صفحات ۶۹-۹۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، موسسه انتشارات آگاه: تهران.
- عبید، محمد صابر، (۲۰۰۱م)، القصیده العربیة الحدیثة بین النسبة الدلالية والبنیة الإیقاعیة، دمشق، اتحاد الکتاب العرب.
- العجیلی، کمال عبدالرزاق، (۲۰۱۲)، البنی الأسلوبیة (دراسة فی الشعر العربی الحدیث)، دار الکتب العلمیة: بیروت.
- غلامحسین زاده، غلامحسین، نوروزی، حامد، (۱۳۸۹)، نقش تکرار آوایی در انسجام واژگانی شعر عروضی فارسی، نشریه ادب و زبان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۷.
- الملائکة، نازک، (۱۹۸۳)، قضایا الشعر المعاصر، بیروت، دار العلم للملایین.

نوذری، اصغر، (۱۳۹۵)، نگاهی به بررسی آرایه‌ی تکرار در شعر قیصر امین پور، یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دانشگاه گیلان، صص ۱۹۴۱-۱۹۲۵.

Baker, M, (1999), In other words: A coursebook on translation. London and New York: Routledge.

The function of lexical repetition in text coherence from the perspective of role-oriented linguistics: A case example (Qasa'id Fi Al-zil) by Sami Mahdi

Zohreh behroozi^{1*}. Ali Khezri²

1-PHD of Arabic language and literature. Persian gulf university.bushehr.iran.

2- Associate professor of Arabic language and literature in Persian gulf university.bushehr.iran.

Abstract

Repetition is one of the most important factors of lexical cohesion, which causes the formation of a network of relationships between the elements of the text and strengthens the structure of the text spiritually and figuratively. According to Michael Holliday, repetition is one of the effective factors in consolidating the structure of the text and its mediation relations and can help in facilitating the understanding of the thoughts and meanings that flow in the text. Diwan Qasa'id Fi Al-zil is one of the poetic works of Sami Mahdi, an Iraqi poet, whose influence and prominent role of repetition of words and sentences in creating textual coherence deserves to be evaluated and analyzed. The aim of the upcoming research is to investigate repetition as a factor of text coherence, hence it tries to analyze and examine the way of arranging the same words and sentences and the function of repetition in creating text coherence by relying on the descriptive-analytical method. The results of this research show that the repetition of words is one of the most important language techniques in the poetry of Sami Mahdi and it has two important functions; It creates a textual link and creates coherence in the ode, and it has appeared in the form of repeating sentences in the middle of the ode, or at the beginning of the ode's clauses, or even repeating a sentence in the opening and closing stanzas of the ode; Repetition in Sami Mahdi's poetry fits with the sense and perspective that governs the poem, and the poet has used special patterns in line with the concept and meaning that he intends to convey to the audience, to create harmony between the meaning and structure, the concept and theme that governs the poem. have an external appearance.

Keywords: Functional linguistics, textual coherence, repetition, Michael Halliday, Sami Mahdi.